

واکنش سخنگویان دوزبانه به واژگان تابو: مطالعه موردی ترک‌زبانان فارسی‌گو

فریده حق‌بین^۱

مهناز طالبی^۲

چکیده

دوزبانگی^۳ و تفاوت انتقال احساسات در زبان اول و دوم موضوعی است که چالش‌های زیادی را در جامعه‌شناسی زبان برانگیخته است. دو زبانه‌ها اغلب ابراز می‌کنند که با بیان احساسات به زبان اول بهتر می‌توانند حق مطلب را ادا کنند و بیان و شنیدن تابوهای زبان اول برای آنها عکس‌العمل روانی بیشتری دارد. در این مطالعه سعی بر آن است تا مفهوم تابوی زبانی به عنوان عنصری وابسته به فرهنگ و تفاوت انتقال احساسات در بیان تابو در زبان اول نسبت به زبان دوم بررسی شود. در این پژوهش ۴۰ دانشجوی دختر دوزبانه (ترکی-فارسی) در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد شرکت داشتند. افراد ترک‌زبان از مناطق مختلف ترک‌نشین مانند تبریز، زنجان، اردبیل و استان همدان انتخاب شدند. مقاله حاضر به دنبال پاسخی برای این سؤال است که آیا بیان تابو در زبان اول (ترکی) نسبت به زبان دوم (فارسی) عکس‌العمل روانی بیشتری به دنبال دارد؟

واژه‌های کلیدی: دوزبانگی، زبان اول، زبان دوم، زبان ترکی، زبان فارسی

۱- مقدمه

زبان پدیده‌ای اجتماعی است که در عین تأثیرپذیری از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، بر آنها نیز اثرگذار است. این رابطه متقابل بین زبان و جامعه، شباهت‌های ساختاری زیادی بین زبان‌های مختلف ایجاد کرده است. عوامل اجتماعی فراوانی از جمله طبقه اجتماعی، گروه نژادی، جنسیت، بافت اجتماعی و... روی زبان تأثیر می‌گذارند. این عوامل گونه‌های زبانی متنوعی را ایجاد می‌کند. فرهنگ و ارزش‌های جامعه نیز روی زبان تأثیرگذار است و به همین دلیل تغییر ارزش‌های جامعه

^۱ - دانشیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ دانشگاه الزهرا faridehaghbin@yahoo.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ دانشگاه الزهرا

alchemist_mahta@yahoo.com

^۳ - bilingualism

باعث تغییرهایی در زبان می‌شود. در واقع زبان مانند آینه‌ای منعکس‌کننده فرهنگ و ارزش‌های هر جامعه است و با مطالعه آن می‌توان اطلاعات فراوانی از جوامع مختلف به دست آورد. توسعه جوامع موجب گسترش دوزبانگی می‌شود؛ دو زبانگی فرآیندی است که فرد، دو زبان را به صورت موازی^۱ (همزمان) می‌آموزد، چنین دو زبانگی نادر است. اغلب اشخاص یک زبان را پس از زبان دیگر می‌آموزند و از هر زبان در موقعیت‌های مختلف استفاده می‌کنند (استرانزی^۲، ۲۰۰۵: ۴). دوزبانگی انواع مختلفی دارد: ۱- دوزبانگی همزمان^۳ که فرد از کودکی دو زبان را در یک محیط و در شرایط تقریباً مشابه فرا می‌گیرد. ۲- دوزبانگی متوالی^۴ که فرد پس از فراگیری زبان مادری، زبان دوم را یاد می‌گیرد و زبان مادری در ذهن فرد بر زبان دوم تسلط دارد (گونزالز^۵، ۱۹۴۱: ۷۹).

۲- تعریف تابو

لفظ تابو از یک زبان پولنزیایی^۶ به نام تونگان^۷ گرفته شده است. تابو در مفهوم عام به کلیه رفتارهای های اجتماعی ممنوع اطلاق می‌شود. این ممنوعیت بر اساس نگرش فرهنگی- اجتماعی جامعه نسبت به رفتارهای خاص است (معدنی، ۱۳۷۸). در هر جامعه‌ای برای ارزش نهادن یا ضد ارزش تلقی کردن برخی رفتارها، معیارهایی وجود دارد که ممکن است با معیارهای جوامع دیگر متفاوت باشد. تابوی زبانی در واقع یکی از جنبه‌های تابوهای اجتماعی است که به ممنوعیت‌هایی در رفتار زبانی تعبیر می‌شود.

مدرسی (۱۳۶۸: ۷۹) معتقد است تابو در زبان مربوط به کلمات و اصطلاحاتی است که به دلیل داشتن بار معنایی منفی ذکر نمی‌شوند و به کار بردن آنها باعث شرمساری و واکنش منفی از سوی جامعه است. در هر زبان واژه‌ها و اصطلاحاتی وجود دارند که دارای صورت یا مفهومی ناخوشایند، نامطلوب یا غیر مؤدبانه‌اند. به همین دلیل اعضای جامعه زبانی از کاربرد صریح و مستقیم آنها اجتناب می‌کنند؛ این قبیل صورت‌ها محرمات یا تابوهای زبانی نامیده می‌شوند. تابو یا دژوازه طیف گسترده‌ای از اعمال و رفتار و کلمات را شامل می‌شود که انجام، بیان و یا حتی اشاره به آن هم به لحاظ مذهبی، اجتماعی و فرهنگی نوعی نسنجیدگی یا بی‌ملاحظگی تلقی می‌شود. بنابراین عمل تابو نباید انجام شود و کلمه تابو نباید به زبان آورده شود (هیوز^۸، ۲۰۰۶: ۴۶۲). فروید^۹ (۱۹۲۵) هنرمندانه‌ترین

^۱- parallel acquisition

^۲- Stranzy, P.

^۳- simultaneous bilingualism

^۴- sequential bilingualism

^۵- Gonzalez-regiosa, F.

^۶- polynesian

^۷- Tonegan

^۸- G. Hughes, G

^۹- S. Freud, s

توصیف را از ماهیت نامعقول آشکار تابو، ارائه کرده است. وی معتقد است که تابوها زائیده نگرش اجتماعی نامعلومی‌اند که اکنون تاثیر آن را به صورت منع بعضی از اعمال یا خودداری از گفتن بعضی کلمات مشاهده می‌کنیم. با این حال تمایل قدرتمند ناخودآگاهانه‌ای به سوی آنها وجود دارد.

۳- مطالعات پیشین

در تحقیقات دوزبانه‌ها بر این نکته تاکید می‌شود که دوزبانه‌ها هنگام صحبت کردن به زبان دوم احساسات کمتری را تجربه می‌کنند. اغلب دوزبانه‌ها هنگام بیان احساسات عمیق به یاد عبارات و واژه‌های زبان اولشان می‌افتند. دیوال^۱ (۲۰۰۴، ۲۰۰۸)، بوند و لی^۲ (۱۹۸۶)، گونزالس ریگزا^۳ (۱۹۷۶)، ماریان و کوشانکی^۴ (۲۰۰۴)، پاولنکو^۵ (۲۰۰۲، ۲۰۰۵)، شراف^۶ (۲۰۰۰)، التریبا و سنتیاگو^۷ (۱۹۹۴). فر^۸ (۲۰۱۰) در پژوهشی بار معنایی واژه‌های احساسی را در دوزبانه‌ها بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که واژه‌ها در زبان اول همواره بار معنایی و احساسی بیشتری را بر دوش می‌کشند. دوزبانه‌ها ترجیح می‌دهند هنگام گفتگو درباره تابوها از زبان دوم استفاده کنند، زیرا بار احساسی کمتری برای آنها دارند (بوند و لی، ۱۹۸۶؛ دیوال و پاولنکو، ۲۰۰۲ و فرث، ۲۰۰۶). گونزالز ریگزا (۱۹۷۶) بر این باور است که افراد معمولاً فحش‌ها و تابوهایی را که بیانشان به زبان اول دشوار است، به راحتی می‌توانند به زبان دوم بیان کنند. پژوهش‌ها درباره دوزبانه‌ها نشان می‌دهد که از زبان دوم اغلب برای افزایش فاصله احساسی استفاده می‌شود (گومپرز و هرنالد،^۹ ۱۹۷۱؛ جاویر و مارکوس،^{۱۰} ۱۹۸۹؛ جاویر، ۱۹۸۹). دوزبانه‌ها به کرات گزارش داده‌اند که قدرت بیان احساساتشان در زبان اول بسیار بیشتر از زبان دوم است. در آزمایشی که از دانشجویان دوزبانه ترکی - انگلیسی (زبان دوم) با استفاده از پاسخ رسانایی پوستی گرفته شد، واکنش افراد هنگام شنیدن عبارات احساسی در انگلیسی در مقایسه با معادل همین عبارات به زبان ترکی بررسی شد. در این آزمایش میزان رسانایی جریان وقتی افراد به زبان ترکی عبارات را بیان می‌کردند بیشتر بود. در آزمایش دیگری از این افراد به این نتیجه رسیدند که این دوزبانه‌ها وقتی به زبان ترکی دروغ می‌گویند، احساسات و واکنش‌های بیشتری نشان می‌دهند یعنی لرزش صدا، حرکت مردمک‌ها نسبت به وقتی که به زبان انگلیسی دروغ می‌گویند

¹- Dewaele, J., M.

²- Bond & T. Lai, M.H.

³- Gonzalez-Regiosa, F.

⁴- Marian, V. & Kaushanskaya, M.

⁵- Pavlenko, A.

⁶- Schrauf, R.W.

⁷- Altarriba, J. & Santiago, A.L.

⁸- Ferr, P.

⁹- Gumperz, J.J. & E. Hernandez, E

¹⁰- Javier, R.A. & Marcos, L.R.

بیشتر است. کالدول-هریس و دین^۱ (۲۰۰۹) بر این باورند کلماتی که بار احساسی بیشتری دارند بهتر در ذهن ماندگار می‌شوند. آنان از بررسی لغات منفی و مثبت در زبان اول و دوم دو زبانه‌ها به این نتیجه رسیدند که اگر چه افراد در سال‌های اولیه زندگی‌شان زبان دوم را فرا گرفته‌اند اما تعداد لغات احساسی با بار معنایی در زبان اولشان بیشتر از زبان دوم است. بار احساسی کلمات در زبان دوم کمتر مشاهده می‌شود زیرا در زبان دوم بار احساسی کلمات، پیش‌فرض‌ها^۲ و بافت‌های احساسی که از کودکی در ذهن افراد شکل می‌گیرد، وجود ندارد. حتی عبارات تنبیهی کودکانه مثل «خجالت بکش» در زبان اول تاثیر روانی بسیار بیشتری نسبت به زبان دوم و سوم در کودکان سه زبانه دارد هریس^۳ (۲۰۰۴).

معدنی (۱۳۸۷) معتقد است دو نوع تابو شدگی وجود دارد: تابو شدگی ناقص و کامل. تابو شدگی ناقص به تابوهایی گفته می‌شود که تنها در کاربردها و موقعیت‌های خاص محدودیت کاربردی پیدا می‌کند، در واقع در این حالت واژه تابو شده کاملاً از زبان کنار گذاشته نمی‌شود. از کاربرد چنین واژه‌هایی در یک سری از فرهنگ‌ها پرهیز می‌شود؛ مثلاً در زبان ژاپنی، واژه‌های مربوط به لباس پوشیدن و در زبان انگلیسی واژه‌های مربوط به مرگ و میر تابوی ناقص به شمار می‌رود. در برخی از جوامع از جمله استرالیا به کار بردن الفاظی برای اطلاق به مادرزن، دایی و ... ممنوع است و حالت تابویی دارد و این امر تا حدی به دلیل فقدان ارزش نهادن به روابط خویشاوندی و اقوام مادری است. نوع دوم تابو، تابو شدگی کامل است. وقتی واژه تابو به چنان درجه‌ای از بار منفی برسد که اکثر قریب به اتفاق مردم صرف‌نظر از شغل و طبقه اجتماعی از شنیدن یا بیان آن اکراه داشته باشند. اگر واژه‌ای تحت تاثیر تابو شدگی کامل قرار گیرد، ممکن است کاملاً از زبان معمول کنار گذاشته شود. به اعتقاد لمان^۴ (۱۹۹۲: ۲۶۰) واژه‌های تابو، لغاتی‌اند که سخنگویان از استفاده از آنها اجتناب می‌کنند و این موضوع حداقل در ارتباطات مؤدبانه اتفاق می‌افتد، مانند واژه تابوی «shit». کسانی که این واژه را در زبان دوم خود می‌بینند ممکن است هیچ عامل غیرمعمولی در آن لغت نیابند و هیچ بار معنایی و احساسی برای آنها نداشته‌باشد.

آلن^۵ (۲۰۰۶) و نوئمن^۶ (۱۹۶۲) معتقدند با تابو مردم می‌توانند زبان گفتار و نوشتار خود را سانسور سانسور کنند. سی پول^۷ (۱۹۹۹) نیز تابو را محدودیتی برای رفتارهایی می‌داند که روی زندگی مردم تاثیر منفی می‌گذارد. آلن (همان) تابوها را به چند دسته تقسیم کرده است: ۱. مایعاتی که از بدن ترشح

^۱- Caldwell-Harris, A. & Dinn, A.

^۲- Presupposition

^۳- Harris, C.

^۴- Lehmann, R. W.

^۵- Allan, K.

^۶- Nothman, F.H.

^۷- C.Pool, S.

می‌شوند (مانند عرق، آب بینی و ...) ۲. اندام‌ها و اعمال جنسی و عمل دفع ادرار و مدفوع ۳. بیماری‌ها، مرگ و قتل ۴. نام اعمال و اشخاص مقدس ۵. جمع‌آوری، ذخیره و مصرف غذا. وی با بررسی کلی و دقیق از فرهنگ‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌است که در هر فرهنگی تابوها متفاوت‌اند. ممکن است کلمه تابویی در یک جامعه زبانی به راحتی در مکالمه‌های روزمره استفاده شود اما گفتن همین واژه در جامعه زبانی دیگر بازخورد روانی شدیدی در پی خواهد داشت. ودن اون هون^۱ و همکاران (۲۰۰۸) تابوهای مختلف در ۱۱ فرهنگ مختلف را بررسی کردند. در این تحقیق ۳۰۰۰ شرکت‌کننده از کشورهای اسپانیا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، کرواسی، لهستان، بریتانیا، آمریکا، نروژ، یونان و هلند حضور داشتند. از این افراد خواسته شد کلمات تابو و واژه‌های فحش را که در موقعیت‌های محرک استفاده می‌کنند بنویسند. از این بررسی ۱۲۰۰۰ عبارت جمع‌آوری شد. پس از دسته‌بندی عبارات به این نتیجه رسیدند که تابوها در فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های بسیار زیادی دارند و شنیدن تابو در افراد گاهی منجر به واکنش بسیار شدید می‌شود. مثلاً در آمریکا، پسران آمریکای جنوبی به صفات درمورد قوه مردانگی^۲ شان حساس‌تر از پسران آمریکای شمالی‌اند.

۴- تاثیر بار احساسی تابو بر واژه‌گزینی در زبان

وجود مفاهیم و واژه‌های مضموم تابوی کامل، تاثیراتی در واژه‌گزینی و به کارگیری واژه‌ها خواهد داشت، این تاثیر بیش از تاثیر از واژه‌های ناقص به وجود می‌آورند. به عنوان مثال یکی از راه‌حل‌های کم و بیش رایج برای دوری از برخی صورت‌های زبانی ناخوشایند، قرض‌گیری زبانی است که از طریق آن عناصر زبانی بیگانه یا عناصر لهجه ناآشنا که ناخوشایندی آنها چندان روشن و آشکار نیست، جایگزین عناصر نامناسب و ناخوشایند در زبان بومی می‌گردند. به بیان دیگر، در این گونه موارد، دلیل قرض‌گیری زبانی و انگیزه استفاده گویندگان یک زبان از عنصر زبان بیگانه، ناخوشایندی و نامطلوب بودن برخی از صورت‌ها در زبان بومی است. به نظر می‌رسد واژه‌های بیگانه مانند شورت و باسن و غیره به سبب اجتناب فارسی‌زبانان از کاربرد معادل‌های فارسی آنها که مفهومی صریح‌تر و ناخوشایندتر پیدا کرده‌اند، در زبان فارسی رایج باشند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۷۹). چنین قرض‌گیری زبان در رفتار زبانی گویشورانی مشاهده می‌شود که به بیش از یک لهجه و گویش آشنایی داشته باشند، مانند استفاده از واژه «پُخ» /pox/ در زبان ترکی به جای معادل فارسی آن. ابهریان (۱۳۸۹) به نقل از پنالوسا^۳ (۱۹۸۱) بیان می‌کند که ذکر بعضی کلمات به دلیل این که مقدس، مبتذل یا زنده‌اند یا به اندام‌های تناسلی اشاره می‌کنند، ممنوع است. این ممنوعیت‌ها را فرهنگ تعیین می‌کند. از آنجایی که فرهنگ‌ها تغییر می‌کنند، تابوهای زبانی نیز تغییر می‌کنند.

^۱- Van Oudenhoven, J.

^۲- virility

^۳- Penalosa, M.

آرلاتو (۱۳۷۳:۲۲۷): تابو را جزء آن دسته از عواملی می‌داند که گذشته از اهمیتی که در توصیف و دسته‌بندی وقایع تاریخی خاص دارند، در بسیاری از موارد علت یا انگیزه پیدایش و از بین رفتن صورت‌های زبانی نیز هستند. وی معتقد است تابوی زبانی را می‌توان به پرهیز از کاربرد واژه‌هایی معین به دلایل اجتماعی گوناگون تعبیر کرد. اجتناب از کاربرد واژه‌ها معمولاً به یکی از این دو نتیجه می‌انجامد: واژه تابو به یک صورت بی‌گناه که با آن هم آواست، به طور کامل حذف می‌گردد و یا از نظر واجی دچار تغییر می‌شود. پرهیز از کاربرد یک واژه ممکن است به دلایل مذهبی، خرافی، احترام فردی یا نگرش اجتماعی نسبت به اعمال جسمانی یا سایر مسائل باشد. اکماجیان و همکاران^۱ (۱۹۹۵) به این نکته اشاره می‌کنند که سخنگویان دو زبانه یا چند زبانه گاهی از بیان لغاتی که شبیه تابوها در زبان اولشان است؛ در زبان دوم یا سومشان اجتناب می‌کنند. برای مثال دانشجویان آمریکایی که زبان پرتغالی برزیلی یاد می‌گیرند اغلب هنگام یادگیری واژه «faca» به معنای «چاقو» خجالت می‌کشند زیرا تلفظ پرتغالی این لغت نزدیک به تلفظ کلمه تابو «fuck» در زبان انگلیسی است. در زبان فارسی نیز برخی از واژه‌های مربوط به اعضای بدن، برخی کارها، واژه‌های عامیانه و واژه‌های معمول مشاغل سطح پایین و ... حالت تابویی دارد، مانند شا... دن، خیکی (به معنای چاق) و امثال این‌ها.

۵- روش تحقیق

ابتدا داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه و ضبط پاسخ‌ها استخراج شد و سپس تحلیل صورت گرفت. با توجه به این که به زبان ترکی در سطح وسیعی از کشور تکلم می‌شود این مطالعه بر روی دوزبانه‌های ترکی-فارسی تمرکز داشت. در این پژوهش ۴۰ دانشجوی دختر دو زبانه ترکی-فارسی در مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد شرکت داشتند. این افراد از مناطق مختلف مانند تبریز، اردبیل، زنجان و استان همدان انتخاب شدند. زبان اول این افراد ترکی است و زبان فارسی را به عنوان زبان دوم تا قبل از ۵ سالگی یاد گرفته‌اند.

با توجه به فقدان دستگاه سنجش پاسخ رسانی پوستی برای ارزیابی میزان واکنش به بیان و شنیدن تابوهای زبان اول و دوم، ناچار از طریق پرسش‌نامه و توصیف شرایطی که فرد ترک زبان این تابو-های ترکی را می‌شنود، و ضبط پاسخ‌ها به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. ۲۰ پرسش مطرح شده در پرسش‌نامه حاوی مجموعه‌ای از تابوها در زبان ترکی است که فرد ترک زبان را در موقعیت فرضی هنگام بیان و شنیدن تابوهای زبانی قرار می‌دهد، با مقیاس‌بندی میزان واکنش و مقدار تابوبودگی در آن موقعیت به صورت بار معنایی خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم، داده‌ها تحلیل شدند. تابوهای پرسش‌نامه را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

^۱- Akmajian, A.

۱. کلمات رکیکی که نمی‌توان آنها را آزادانه بیان کرد مانند: /i: jī yirinə muyammir/
۲. کلماتی که به زبان کوچه و خیابان تعلق دارد مانند: /pox yi:pdə/
۳. کلمات در ارتباط با شرایط فیزیکی (جسمانی) و ذهنی مانند: / I:lan sanʒəb /^۳ / dælidə/^۴
۴. واژه‌هایی در مورد دفع مدفوع و ادرار مانند: /i:fæmæqəmva:r/^۵

در اینجا دو نمونه از سئوالات پرسش‌نامه ارائه می‌شود:

(الف) در مهمانی رسمی با حضور بزرگان فامیل پسر بچه‌تان به شما می‌گویند: / i:fæmæqəmva:r/ ؟ این کلمه در مقایسه با «بریم دستشویی»، چه بار معنایی دارد؟ توضیح دهید.

(ب) در دعوایی کسی به شما می‌گوید /tʃoəl bafian dælə/ تفاوت این عبارت با بار معنایی «خاک بر سرت دیوانه» چه میزان است؟ در چنین موقعیت‌ها واژه تابو را چگونه بیان می‌کنید؟ کلمات جایگزین را بنویسید.

نتایج بررسی و تحلیل بر روی داده‌های به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که در ۱۰/۵ درصد موارد اشخاص ترک‌زبان واژه‌ها و عبارات تابو را به راحتی بیان می‌کردند و در ۱۵/۸ درصد موارد، اشخاص به جای به کارگیری واژه‌های تابو شده، از حرکات صورت، ایما و اشاره و گاه سکوت استفاده می‌کردند. در ۲۶/۳ درصد دیگر به جای واژه تابو از الفاظی چون «چیز» یا «فلان» بهره جستند و قریب به ۲۱/۱ درصد میزان واکنش به این تابوها زیاد است و به نوعی سعی می‌کردند با جملاتی چون «نمی‌دانم چطور بگم» یا «آخه نمی‌شه گفت» و نظایر آن معنی مورد نظر را القا کنند و در ۲۶/۳ درصد موارد به شدت سعی در پرهیز از حتی کاربرد حاشیه‌ای این واژه‌ها داشتند.

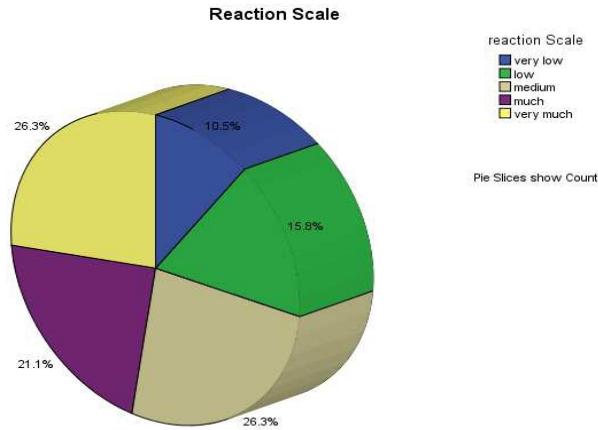
^۱ - کلمه ترکی به معنای «دچار ناتوانی جنسی بودن»

^۲ - کلمه ترکی به معنای «گ... خوردی»

^۳ - واژه ترکی به معنای «حامله بودن» در معنای منفی و تابو

^۴ - کلمه ترکی به معنای «دیوانه»

^۵ - واژه‌ی ترکی به معنای «ادرار کردن»



شکل ۱: میزان واکنش دوزبانه های ترک و فارس به کلمات تابوی زبان

۶- بحث

در این پژوهش افراد ترک‌زبانی شرکت داشتند که زبان ترکی، زبان اول و زبان فارسی را در همان سال‌های کودکی و بیشتر در مدرسه یاد گرفتند. برای این افراد تابوهای زبان اول بار معنایی بیشتری نسبت به تابوهای زبان دوم داشت. این موضوع را می‌توان با رویکرد روان‌شناسی و شناختی زبان بررسی کرد. این موضوع که انتقال احساسات و بار احساسی در زبان دوم کمتر است گاهی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً پزشکان و پرستاران هنگام گفتگو با بیماران در مورد اندام‌ها و بیماری‌هایی که برای بیمار احساس خجالت ایجاد می‌کند از معادل علمی که معمولاً به زبان انگلیسی است استفاده می‌کنند یا افراد چند زبانه در بیان مسائل احساسی که بیان آن به زبان اول دشوار است از زبان دوم یا چندم خود استفاده می‌کنند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ابراز کردند که رساندن مفاهیم حاوی احساسات به زبان ترکی برایشان راحت‌تر است و بهتر می‌توانند از رهگذر زبان اولشان حق مطلب را ادا کنند.

نکته مشترک در بیش از ۸۵ درصد پاسخ‌ها این است که فحش‌های ترکی تأثیر روانی بسیار بیشتری نسبت به فحش‌های فارسی برای شرکت‌کنندگان دارد و شنیدن فحش‌های فارسی حتی فحش‌های رکیک در بیشتر موارد مضحک به نظر می‌رسد. در صورتی که معادل این فحش‌ها در ترکی تابو به شمار می‌آید و شنیدن این فحش‌ها برایشان ناخوشایند و دارای بار احساسی منفی است. مثلاً با توجه به پرسش‌نامه‌ها واژه /oii/ نسبت به «بمیر» برای این دوزبانه‌ها بسیار پرمعناتر است یا

در نظرشان بارمعنایی /qoromsa:q/ در مقایسه با حرامزاده بسیار بیشتر است و کلمه اول بازخورد و تاثیر روانی بسیار بیشتری برایشان دارد.

۸۰ در صد این افراد اعلام کردند که کلمات ترکی تصور قوی تری در ذهن ایجاد می کند، مثلا هنگام شنیدن کلمه /qusma:x/ (استفراغ کردن) تصور واضح تری از این عمل در ذهنشان ایجاد می شود. نکته حائز اهمیت این است که هر کدام از این نتایج نیاز به بررسی بیشتری دارد.

۷- نتایج پژوهش

در این مقاله به تفاوت انتقال احساسات در بیان و شنیدن تابوهای زبانی در زبان اول و زبان دوم پرداخته شد. زبان اول شرکت کنندگان این پژوهش ترکی و زبان دومشان، فارسی بود. با مروری بر مطالعات انجام شده این نکته مشخص شد که انتقال احساسات توسط زبان اول راحت تر از انتقال احساسات در زبان دوم در افراد دوزبانه بود. دوزبانه ها تمایل داشتند تابوهای زبان اول را به زبان دوم بیان کنند و این مطلب نشان دهنده این مسئله است که زبان اول مانوس ترین و بی واسطه ترین نظام شناختی است. این پژوهش مطالعه اجمالی درباره تفاوت واکنش دوزبانه ها به تابوها در زبان اول و زبان دومشان است. به دلیل اهمیت مبحث دوزبانه ها در جامعه شناسی زبان و همچنین فراوانی دوزبانه ها از جمله ترکی- فارسی، کردی- فارسی و دیگر زبان ها در کشور، پیشنهاد نگارنده بررسی تابوهای زبانی در گویش ها و فرهنگ های مختلف ایرانی و همچنین در سه زبانه ها است.

منابع

- آراتو، آنتونی (۱۳۷۳) درآمدی بر زبان شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابهریان آزادی، سولماز (۱۳۸۹) بررسی تطبیقی دشواژه ها و به واژه ها در فارسی و ترکی آذربایجانی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا.
- مدرس، یحیی (۱۳۶۸) درآمدی بر جامعه شناسی زبان. تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- معدنی، میترا (۱۳۷۸) «مروری اجمالی بر تابوی زبانی و انواع آن» مجله زبان شناسی، سال چهاردهم، شماره اول و دوم.

- Altarriba, J. & Rivera-Santiago, A. L. (1994) "Current perspectives on using linguistic and cultural factors in counseling the hispanic client". *Professional Psychology: Research and Practice*, 25, 388-397.
- Akmajian, A[et al].(1995) *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*. Massachsett Institutes of Technology
- Bond, M.H.& Lai, T. (1986). "Embarrassment and Code-switching into a Second Language". *Journal of Social Psychology*, 126, 179-186.
- Caldwell-Harris, A, Dinn.A. (2009). " Emotion and Lying in a Non-native Language". *International Journal of Psychophysiology*, Volume 71, Issue 3, P. 193-204
- C.Pool,S.(1999).*An Introduction to Linguistics*.London.Macmillan press LID
- Dewaele, J.M. Foth, R. (2002). "The Illocutionary force of swearwords and taboo words in the speech of multilinguals". *Unpublished manuscript*.
- Dewaele, J.-M.(2004)."The emotional force of swearwords and taboo words in the speech of multilingual". *Journal of Multilingual and Multicultural Development* 25,204-222
- Dewaele, J.-M. (2008)." The emotional weight of I love you in Multilingual Languages". *Journal of Pragmatics*,40, 1753_1780.
- Ferr,P. [et al].(2010)."Memory for Emotional words in Bilinguals: Do words have the same Emotional Intensity in the first and in the second language?" *Cognition & Emotion*, Volume 24, Issue 5, Pp.760 – 78.
- Freud, s. (1925). In general psychological Theory". NewYork: MacMillan, In the origins of religion: Totem and Taboo. London: Penguin.
- Gonzalez.J(ed).(1941). *Encyclopedia of Educational Bilingual*. SAGE Publications. London.
- Gonzalez-Regiosa, F. (1976). "The Anxiety Arousing Effect of Taboo Words in Bilinguals". In C. D. Spielberger & R. Diaz-Guerrero (Eds.), *Cross- Cultural Anxiety* (pp. 89-105). Washington.

- Gumperz, J. J. & Hernandez, E. (1971). "Bilingualism" . *Bidialectalism, and Classroom Interaction in Language and Social Groups*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- Hughes, G. (1991). *Swearing: A Social History of Foul Language, Oaths and Profanity in English*. Oxford: Blackwell ,211-212.
- Javier, R. A. & Marcos, L. R. (1989). "The Role of Stress on the Language-Independence and Code Switching Phenomena". *Journal of Psycholinguistic Research*, 18, 449-472.
- Javier, R. A. (1989). "Linguistic Considerations in the Treatment of Bilinguals" .*Journal of Psychoanalytic Psychology*, 6, 87-96.
- Lehmann, R.W. 1992. *Historical linguistics* (3rded.). New York. Routledge.
- Harris , C. (2004) "Taboo Words and Reprimands Elicit Greater Autonomic reactivity in a first Language than in a Second Language." *Applied Psycholinguistics (Psychological Studies of Language Processes)* "24:4:561-579 Cambridge University Press.
- Marian, V. Kaushanskaya, M. (2004). "Language-mediated Self- Construal and Emotion in Bicultural Bilinguals" . *Journal of Memory and Language* 51, p.190-201.
- Nothman, F. H. (1962). "The Influence of Response Conditions on Recognition Thresholds for Taboo Words". *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 51, 427-433.
- Pavlenko, A. (2002). "Bilingualism and Emotions". *Multilingua* 21, 45-78.
- Pavlenko, A. (2005). "Emotions and Multilingualism". *Cambridge University Press*, Cambridge,
- MA. Penalosa, M. (1981). *Introduction to Sociology of Language*. Rowley. Newbury House publishers.
- Schrauf, R.W. (2000) "Bilingual Autobiographical Memory: Experimental Studies and Clinical Cases". *Culture and Psychology* 6, P.387-417.
- Stranzy, P. (ed) (2005) *Encyclopedia of Linguistics*. Taylor & Francis e-Library. New York.
- Van Oudenhoven, J [et al]. (2008). "Terms of Abuse as Expression and Reinforcement of Cultures". *International Journal of*

Intercultural Relations, Volume 32, , P. 174-185(accessed 10.2010)

.....

سدره ارف